

تبیین نشانه‌های تصویری تعویذ و حرز در دستبافته‌های ترکمن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

کد مقاله: ۸۸۲۳۲

آزاده یعقوب زاده^{۱*}، لاله آهنی^۲

چکیده

اعتقاد به نیروهای ماورایی در دوره‌های متمدنی در میان اقوام مختلف بویژه ترکمنان وجود داشته است. استفاده از اشکال و تصاویر در جهت رفع بلا یا و مشکلات از دیرباز به جهت ارزش و قدرت آیینی و اعتقادی‌شان، کم‌کم وارد هنرهای دستی گوناگون این اقوام نیز شده است. نقوش مرتبط با حرز و تعویذ بر روی ابزارآلات کاربردی زندگی ترکمنان، از جمله ارزشمندترین دستاوردهای ایشان در حوزه هنرهای کاربردی می‌باشد. قابلیت‌های باوری ویژه آنها باعث شده است که آثار مختلف شامل وسایل کاربردی و یا ابزارآلات با نقوش پر رمز و رازشان علاوه بر جنبه تزئینی و کاربردی، رسانه‌ای برای انتقال پیام و ارزش‌های ثبت شده محسوب می‌شوند و از این طریق آنها را به هنر پیوند داده است. کارکرد هنری حرزها و تعویذها محصول کنش ارتباطی میان مخاطب و این نقوش است که به صورتی کاملاً روان شناختی بر روح و روان فرد استفاده کننده اثرگذار است. این پژوهش از نوع کیفی و توسعه‌ای، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. از آنچه که از طریق تحلیل بدست آمده این نتایج حاصل شده است که باورها که بخش مهمی از فرهنگ این قوم را شکل می‌دهد به واسطه آثار هنری به ویژه دستبافته‌ها نقش مهمی در بازتاب درونیات و تمنیات بافندگان ترکمن دارد. از اینرو نقوش مرتبط با حرز و تعویذ برای بافنده ذهنی‌یاف ترکمن دارای مفهوم معنوی بوده و جدای از کارکرد زیبایی، به عنوان محافظ، منعکس کننده آمال، آرزوها و خواسته‌هایشان بوده است. از این‌رو می‌توان بیان داشت که جنبه معناشناختی و نمادین نقوش در این آثار بر ابعاد زیباشناختی و کارکردی، برتری دارد.

واژگان کلیدی: نقش، نشانه، حرز، تعویذ، دستبافته، قوم ترکمن

۱. استادیار دانشکده فرش دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول) a.yaghobzadeh@tabriziau.ac.ir

۲. استادیار دانشکده فرش دانشگاه هنر اسلامی تبریز

بشر فلسفه‌های گوناگونی برای مبارزه با شر داشت و برای مبارزه با آن از ابزارهای مختلف بهره می‌برد. این باور که می‌توان درد و رنج خود را به شیء دیگری منتقل کرد و یا به‌وسیله آن دفع نمود، برای انسان نخستین، باوری رایج بوده است. در حوزه فرهنگ و رسوم قوم ترکمن نمادهای فراوانی وجود دارد که هر یک با کارکرد مادی و معنوی ملهم از آداب و رسوم، سنتها، عادات، برداشتها و بینش‌ها و نهایتاً فرهنگ غنی و پر بار آنان است. باورهای عامه سرشار از رموز، استعارات و اشاراتی است که هر کدام در فرهنگ و آئینی به ارث مانده از گذشته ریشه دارند. باورها و اعتقادات در اجتماع عامیانه، از بدو تولد تا مرگ در درون افراد ریشه می‌دواند و این اعتقادات از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند. شناخت این باورها، آئین‌ها، سنت‌ها و اعتقادات می‌تواند دستمایه مفیدی برای برقراری ارتباط بین انسان‌ها و تمدن‌ها باشد. باورها و هنرهای عوامانه همواره با رمز همراه بوده‌اند و برای فهم رموزشان می‌بایست به درون فرهنگ و رسوم این اقوام رجوع نمود، زیرا خاستگاه این رموز، گنجینه‌ی فرهنگی گذشتگان است. با بررسی و مطالعه آثار مختلف بشری می‌توان دریافت که تصاویر ذهنی هنرمندان مختلف با دست‌مایه‌ای از زندگی به همراه دغدغه‌های همیشگی انسان نقوشی را به جای گذارده است که کشف بسیاری از نکات نهفته از آن جز با بررسی و شناخت باورها و اساطیر میسر نمی‌شود؛ زیرا باورهای نشأت گرفته از فرهنگ جامعه‌ای که این آثار به آن تعلق دارد متأثر از اعتقادات و اساطیر کهنی است که به هنرمند ترکمنی به ارث رسیده و بدین ترتیب دستمایه‌ای برای نقوش روی آثار مختلف بویژه دستبافته‌هایشان گشته است.

هنرهای بومی و قومی که به صورت عمده با استفاده از مواد اولیه بومی و انجام تمام یا بخش اعظمی از مراحل اساسی تولید، به کمک دست و ابزار دستی، موجب تهیه و ساخت محصولات می‌شود که در هر یک از آن‌ها، ذوق هنری و خلاقیت فکری هنرمند سازنده به نحوی تجلی یافته است. این ویژگی و خصوصیت در دستبافته‌های عشایری، از جمله ترکمنان به عنوان بخشی از هنرهای کاربردی و هویت قومی و در سطحی فراتر هویت ملی و هنری و نمودی از میراث فرهنگی و تمدنی، به خوبی مشهود است. رسالت آفرینش و تولید دستبافته‌های عشایری و به طور خاص قومی در گذشته و تا حدودی اکنون، مرتفع کردن نیازهای زندگی روزمره مردمان ترکمن بوده است. در واقع جنبه کاربردی و خودمصرفی مهم‌ترین یا شاید تنها دلیل بافت این بافته‌ها بوده است. دل‌بافته‌هایی که اگرچه برای رفع نیاز بافته شدند، لیکن ذوق و احساس زیبایی شناختی مخاطب را به هیجان و زبان وی را به ستایش وادار می‌سازند. دستبافته‌های ترکمن، مهم‌ترین و شاخص‌ترین بستر تجلی اندیشه، آمل، مهندسی و مهارت بافندگان این قوم است. این دست‌آفریده‌ها منبع مهمی برای مطالعه هنر و فرهنگ ایلی و عشایری ایران به شمار می‌روند.

ترکمنها، قومی کهن با افکار و اندیشه‌ها و به تبع آن، آثار غنی منقوش و شفاهی هستند و بهترین و کاملترین نشانه این ادعا، دستبافته‌های آنها است. از میان نقشه‌های آنها، نقوش برگرفته از باور و اعتقاد به حرز و تعویذ به شکل نمادین بر دست بافته‌های ترکمن نقش بسته است نمادگرایی و رمزپردازی ابزاری کهن در جهت بیان مفاهیم است که نماد اندیشه را نماد چیزی است که به جای چیز دیگر برمی‌انگیزد و انسان را به گستره تفکر بدون گفتار رهنمون می‌شود (هال، ۱۹۹۶: ۱۴). شاید اولین نمادها، نمادهایی بوده که بر اساس پرستش و تقدیس طبیعت توسط انسان یا به عرصه ظهور نهاده اند.

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی-تطبیقی به بررسی و مطالعه نقوش مرتبط با طلسم حرز و تعویذ در دستبافته‌های ترکمن پرداخته است. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، کتابخانه‌ای (اسنادی) است که از منابع مکتوب و همچنین مشاهده و عکسبرداری نیز بهره برده است.

۲- پیشینه پژوهش

در ارتباط با هنر اقوام ترکمن کتب و مقالات متعدد به طبع رسیده است. از میان این آثار می‌توان به کتاب "نیازجان و فرش ترکمن"، اشاره نمود. نویسنده در این کتاب به مطالعه و بررسی ابعاد فنی و زیباشناختی قالی ترکمن پرداخته است. حصوری (۱۳۷۱) در کتاب "نقش‌های قالی ترکمن و اقوام همسایه"، طرح و نقش رایج در قالی ترکمن و اقوام همسایه را مطالعه و معرفی کرده است. کاملی و رحمانی (۱۳۹۲) در مقاله "نمازلیقه‌های ترکمن: بحثی در باب نمادهای کلیدی و آیینی فرهنگ"، این دسته از دستبافته‌های ترکمنان را که به جهت برگزاری عمل آیینی نماز، از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی و به‌ویژه از منظر مفاهیم نمادین، ارزشها و باورهای آیینی، بررسی و تحلیل کرده اند. کریمی باباحمدی، الماسی نیا و مبینی (۱۳۹۳) در مقاله تحلیل ساختاری و محتوایی قالی ترکمن، بررسی موردی یک نمونه قالی چووال گل "ضمن مطالعه و بررسی ابعاد فنی و زیباشناختی قالی ترکمن به معرفی و توصیف نوعی قالی با نام (چووال گل)، پرداخته‌اند. یعقوب‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله "نشانه‌های تصویری در آسمالیکه‌های ترکمن"، ضمن معرفی آسمالیک به‌عنوان یکی از دستبافته‌های ترکمن، نقوش و نمادهای این بافته را مورد مطالعه قرار داده است. جلالی، جوانی و قانی (۱۳۹۷) در مقاله "معرفی برخی مؤلفه‌های محتوایی و ساختاری نقشمایه قوچک در قالی ترکمن"، به تحلیل و بررسی نقشمایه "قوچوک" (قوچوک) از منظر فرم و محتوا پرداخته‌اند. افروغ و کاظم نژادی (۱۴۰۱) در مقاله "مطالعه نقوش

دستبافته‌ها و دستمال‌های ترکمن از گذار مردم‌شناسی هنر" به مطالعه و فهم نقوش دستبافته‌ها و دستمال‌های ترکمن از منظر فرهنگ جامعه بافنده ترکمن پرداخته‌اند.

پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از پژوهش‌های گذشته و مرتبط در جستجوی باورها و اعتقادات ترکمنان بوده و از اینرو وجه تمایز این پیشینه‌ها با پژوهش حاضر، تاکید بر نشانه‌های تصویری مرتبط با طلسم حرز و تعویذ می‌باشد.

۳- مبانی نظری

۳-۱- معنای حرز و تعویذ

در نظر بسیاری از اقوام؛ استفاده از نمادها و نشانه‌های طلسم و یا محافظ، یکی از روشهای در امان ماندن از بلاها و دفع شر محسوب می‌شود. تعویذ اشیا نوشته، تصویر، دعا و وردهایی اطلاق می‌شود که دارای نیروی جادویی - ماورایی است که باور بر این بوده که نصب و آویختن آن بر اشیاء و مکانها و حمل آن توسط انسان یا حیوان، موجب دفع انواع بیماری و حمله موجودات و نیروهای ماورایی و شرور می‌گردد. از دیگر سو، طلسم را نوعی تعویذ دانسته‌اند که می‌تواند قدرت و بخت حامل و صاحب خود را در برابر نیروهای آزاررسان افزایش دهد. از این حیث طلسم و تعویذ را انواعی از یک مقوله، اما گاهی با راهبردهایی کم و بیش متفاوت تلقی می‌نمایند؛ چنانچه کار تعویذ، طرد و دفع امور نامطلوب است، طلسم باعث جلب امور مطلوب نیز می‌گردد (عربستانی، ۱۳۸۷: ۶۳۵). حرزها نیز چون تعویذ، بر خوردار از نیروهای ماورایی هستند که همراه داشتن آن موجب دور ماندن از بلاها می‌گردد (همان: ۵۹۶). به طور کلی حرزها خاصیت پیشگیری دارند و تعویذ درمان.

استفاده از انواع تعویذ و حرز از درگذشته میان اقوام گوناگون رایج و بکارگرفته شده است. ظاهراً در میان اقوام با فرهنگهای کهن عمدتاً اشیا مختلف- چه به شکل خام و طبیعی شامل؛ قطعه سنگ‌ها، گیاهان، صدفها، دندان‌ها و استخوانهای جانوران و ... چه به شکل آثار مختلف منجمله مجسمه‌ها، وسایل دست ساز فلزی، چوبی و سفالی در «رماندن ارواح پلید، شیاطین و موجودات شریر و زیانکار کاربرد داشته، احتمالاً استفاده از تعویذ مفلوظ یا مکتوب نیز با سابق‌های اندکی کمتر، معمول و مرسوم بوده است (همان: ۶۳۶-۶۳۸).

۳-۲- جایگاه انواع طلسم (حرز و تعویذ) در میان اقوام ترکمن

در گذشته جنبه‌های گوناگونی برای انتقال شر وجود داشته است و انسانها همیشه در تلاش بودند تا با انجام برخی کارها مانند قربانی کردن، خون ریختن، دعانویسی و بستن آن بر بازو، دعا و نیایش و امثال اینها شر و بلا را دفع کنند (فریزر، ۱۳۸۶: ۵۹۷). انسان نخستین با توجه به عدم شناخت طبیعت اطراف و علل مختلف حوادث طبیعی پیرامونش به جهت غلبه و خنثی نمودن آن رویدادها به راه‌های متفاوتی متوسل می‌شده است از جمله قربانی، دعا، طلسم، مراسم آیینی، نیایش و... به این طریق و با انتقال درد و محنت به آسانی به اشیا مادی دست می‌یافت (خوارزمی، ۱۳۹۲: ۳-۴)؛ و یا در مواردی با تصویرگری در زمینه آثار کاربردی و روزمره زندگی، در صدد دفع شر بوده است. باورهای اقوام منشاء حرکت و نشان دهنده نحوه زندگی افراد آن فرهنگ و قومیت هستند؛ و تجلی آن در میان آثار مختلف اقوام نیز به چشم می‌خورند. دستبافته‌های ترکمنی از نوع عشایری بوده و خصوصیت بارز این بافته‌ها، استفاده از آرایه‌های انتزاعی به شکل هندسی است. مظاهر طبیعت و آنچه در محیط زندگی ترکمنها وجود دارد، به عنوان منشأ نقوش مختلف آثارشان به کار رفته است. به طور مثال؛ در نقوش دستبافته‌های ترکمن نقش شاخ قوچ که نشانی از قدرت و باروری است و حیواناتی همچون عقاب اسب و شتر و فیل در نقوش قالی، نقش بسته است. گل‌های لاله قرمز وحشی، برکه‌های آب، ماه و ستاره‌ها نیز در نقوش قالی ترکمن مشهود است. نقوش قالی ترکمن به بیش از صدها نقش که مهمترین آنها عبارتند از: ماری گول، درناق گول، قافسه گول، تکه گول، قزل ایاق، توینگ گول، قوش گول، اوغان گول، تاج حروز، آراگول و آق نقش. در دستبافته‌های ترکمن نقشمایه‌هایی وجود دارند که فرم هندسی آنها به شکل بیضی به عنوان نماد زمین، دایره، نماد ماه بدر یا خورشید است. با نگاهی اجمالی به نقش و رنگ دستبافته‌های ایشان از گذشته تا به امروز، پی خواهیم برد که خلق نقشمایه‌ها فقط برای پرکردن بستر گلیم و قالی و یا دستبافته‌های دیگر نبوده است بلکه به این وسیله مردمان ترکمن ضمن زیباسازی محیط، آرزوها، آمال و واهمه‌هایشان را نیز به تصویر می‌کشیدند و این خصلت از جمله ویژگی‌ها و عوامل خلق‌کنندگی در بی زندگی این قوم اصیل محسوب می‌شود.

درباره تاریخ باستانی ترکمن، نظرات گوناگون از سوی محققان بیان شده است و حتی درباره ریشه نژادی این قوم نیز بین صاحبان فن و علم نژادشناسی اختلاف نظر وجود دارد.

تا حدود قرن هفتم میلادی ترکمن‌ها جزئی از قوم بزرگ ترک بودند. در این سالها به دنبال اضمحلال امپراطوری گوک تئوک‌ها، گروهی از ترکها که «اغوز» نامیده می‌شدند، از آنان جدا شده از ناحیه ارخون به طرف آرال و سیردریا کوچ کردند. ترکمنان در تداوم حیات پر فراز و نشیب خود سرزمینهای وسیعی را زیر پا گذاشتند و با مذاهب مختلف آشنا شدند، زندگی شبانی و

جستجوی مراتع ترکان را به کوچ و مهاجرت عادت داد و به صحنه‌هایی کشاند که حیات سیاسی-اجتماعی و مذهبی شان را تحت تأثیر قرار داد (مخبر دزفولی، ۱۳۸۴: ۴۵). در اواسط قرن سوم هجری، ترکها از چندین قوم اساسی تشکیل شده بودند: ۱- اغوز ۲- کیماک ۳- قارلیق ۴- اوغور ۵- قرقیز. اکثر مورخین و جغرافی‌نویسان اوایل دوران اسلامی، ترکمنها را از اغوزها ذکر کرده‌اند (گلی، ۱۳۶۶: ۱۰). در حال حاضر در ایران قبایل گوگلان، یموت و گروههایی از تکه زندگی می‌کنند. ساریق، سالور، ارساری نیز از قبایل ترکمن هستند که در ترکمنستان زندگی می‌کنند (عسگری خانقاه و کمالی، ۱۳۷۴: ۲۹).

ترکمنها قبل از گرویدن به اسلام و پذیرفتن مذهب حنفی؛ دارای باورهای مذهبی کهنی همچون توتمیسم و شمنیسم بوده‌اند. توتم واژه‌ای است برگرفته از زبان سرخ پوستان آمریکای شمالی و نخستین بار این کلمه توسط لانگ که یک انسان شناس انگلیسی بود و در جوامع سرخپوستی آمریکای شمالی تحقیق می‌کرد به کار برده شد. توتم جانور یا گیاه یا بعضا شیئی است که اصل یا بنای یک گروه اجتماعی ابتدایی تصور می‌شود از این رو توتم محور زندگی گروه به شمار می‌رود (آزادگان، ۱۳۷۲: ۳۱). انسان ابتدایی می‌پندارد که توتم دفع دشمن می‌کند، از آینده خبر می‌دهد، بیماران را شفا می‌بخشد و از این گذشته حاصل روح فرد است (همان: ۳۱). بسیاری از محققین معتقدند که تقریباً تمام جوامع انسانی در مرحله «گرد آوری خوراک» به «توتم» باورمند بوده‌اند. توتم پرستی در طوایف ترکمن تا قرن هفتم و هشتم رواج داشته و به تدریج پس از آن از میان رفت ولی نشانه‌هایی از آن هنوز هم در وسایل کاربردی روزمره و آثار هنری ترکمنان یافت می‌شود چنانچه در نقش و نگار دستبافته‌های متنوع ایشان از جمله نمد و قالی و گلیم و سنگ‌قبرهایشان به صورت ساده و انتزاعی قابل رویت است (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۳۳۲).

در بین توتم‌های ترکمن از گذشته تاکنون نقش حیوانات همچون شتر، اسب، عقرب، گرگ، شاهین، عقاب و به ویژه قوچ و شاخ آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. لکن غیر از نقش حیوانات که در اسطوره‌ها و فرهنگ عامه ترکمن حائز اهمیت بوده اند؛ در دستبافته‌های ترکمن موتیف‌هایی وجود دارد به صورت استیلیزه و نمادین که بازتاب دهنده باور به طلسمهایی هستند در اندیشه ترکمنان به عنوان حرز و تعویذ در برابر نیروهای شر.

علاوه بر این شمنیسم نیز از باورهای اولیه ترکان بوده که اکثر منابع به رواج این مذهب در میان مردم ماورالنهر در دوره پیش از اسلام اشاره کرده‌اند. این باور ابتدایی به‌وسیله شمن‌ها که در باور مردمان افراد مقدسی بودند که قادر به ارتباط با خدایان بوده و به فنون سحر و جادو مسلط بودند تبلیغ و بکار برده می‌شد. علاوه بر این ترکان، شمن‌ها را عامل ایجاد ارتباط با ارواح و مردگان و شیاطین و جن و پری می‌دانستند و برای حل مشکلات خود، آنان را نزد خدایان واسطه می‌کردند (مخبر دزفولی، ۱۳۸۴: ۵۱). شمنیسم، نخستین واکنش‌های انسان ابتدایی برای غلبه بر طبیعت بوده است، انسانی که به کمک جادو و سحر در پی تقویت اعتماد به نفس در خود می‌گشت. شاید توجه بیش از اندازه به سحر و جادو راکه باعث یکی دانستن ساحری و شمنیسم شده است (فضایی، ۱۳۶۹: ۱۸۴). مذهب شمنی، علم یا شکلی از سحر و جادو بوده است که پیروان آن معتقد بودند که با آن، می‌توان طبیعت را تحت قدرت و اختیار انسان درآورد.

پیروان شمنیسم بر این باورند که شمنها می‌توانند به حالت خلسه روحی دست پیدا کنند و از این طریق به بُعدهای دیگر واقعیت سفر کنند. شمن‌ها مدعی هستند، می‌توانند با روح خود به جهان‌های دیگری سفر کرده و با دیگر ارواح تماس بگیرند آنها معتقدند با اینکار می‌توانند، میان جهان مادی و جهان روحانی توازن برقرار کنند. شمنها معتقدند که همه‌ی آفریده‌ها، از جمله سنگ و درخت و کوهها زنده‌اند. آنها برای رسیدن به مقصود خود با این نیروهای طبیعی نیز کار می‌کنند.

اعتقاد به ارواح بخش بزرگی از اعتقادات ترکان شمن‌گرا را تشکیل می‌دهد. آنان کائنات را به دو قسمت آسمان، زمین و زیرزمین تقسیم می‌کردند؛ که گاه این تقسیم‌بندی در ساختار و آرایش بافته‌هایشان نیز دیده می‌شود. عالم روشن ارواح نیک در آسمان، فرزندان انسان در روی زمین و ارواح شریر در زیر زمین سکونت داشتند. هم‌چنین از نظر آنان، تمام پدیده‌های طبیعی شامل رودها، کوه‌ها و دریاچه صاحب روح بوده و حوادث طبیعی توسط ارواح و خدایان رخ می‌داد (مخبر دزفولی، ۱۳۸۴: ۵۲).

بدین روی برای رهایی از ارواح، وسایل و طلسم‌های بسیاری وجود دارند که زنان می‌پوشند، این اشیاء سرشار از نقوش و نمادهایی می‌باشند که آنان، خویشان، فرزندان و خانه خود را از شر ارواح رها می‌سازند (لوگاشوا، ۱۳۵۸: ۱۰۳). قوم ترکمن نیز بنا به اعتقادات قومی از قدیم الایام جواهرآلاتی به همین منظور استفاده می‌کنند. بسیاری از محققین بر این باورند که این گونه جواهرات، هدفی دفاعی داشته‌اند و پس از گذشت مدت زمانی، از آنها به عنوان زینت آلات استفاده شده است. این زیورآلات اغلب به صورت قطعاتی درشت از نقره ساخته شده‌اند که بر سطح آنها طرح‌هایی ساده شده از گل و گیاه و نقش‌های جادویی حک شده و با نگین‌هایی از عقیق یا شیشه‌های رنگی تزیین شده‌اند. زیورآلات ترکمن اغلب فاقد جزئیات و دارای وقار و سنگینی خاصی می‌باشند که وزن زیادی داشته‌اند. گویی صدای جیرینگ جیرینگ آنها طلسم محافظی است که ارواح را دور می‌کند و باور ترکمن‌ها در مورد باطل السحر بودن فلزات و ما را وادار به قبول این نظریه کرده و عظمت و بزرگی آن‌ها محافظی است که همیشه همراه صاحبانشان است (محمدی، ۱۳۸۸: ۹۴).

از جمله این زیورآلات می‌توان به دواجق، بیلان باش (نظر بند)، بزینت (بازوبند)، مونجوق و داغدان که به عنوان حرز، برای دفع ارواح و دوری از چشم نظر و... به لباس کودکان و زنان ترکمن آویخته می‌شود و یا دوغاقاب، آچارباغ، هیکل و طومار که برای

حمل انواع دعا و طلسم (تعویذ) استفاده می‌شده است اشاره کرد. بسیاری از موتیف‌هایی با کارکرد طلسم محافظ، اشکال و حتی اسامی مشابه این زیورآلات نیز دارند و چنین به نظر می‌رسد که بافتنه با نقش اندازی اشکال این زیورآلات بر فرش همان کارکرد را از آن انتظار دارد.

عمده‌ترین کاربرد استفاده از تعویذ و حرزها در میان ترکمنان در رابطه با اعتقاد به چشم‌زخم است. چشم‌زخم از قدیم‌ترین باورهای بشر و احتمالاً فراگیرترین و رایج‌ترین باور فراعلمی است که آثار و بقایای آن همواره در ایران امروز نیز با برجا مانده است. شورچشمی و بدنظری که امروزه به شکل صفت برای بعضی کسان آورده می‌شود، از روزگار بسیار کهن میان جامعه‌ای که مغان و فرهنگ و دیانت مغانه و مزدایی در آن حکومت می‌کرد وجود داشته است و شورچشمان که با چنین بیماری و عارضه‌ی اهریمنی شناخته می‌شدند، مردود و مطرود و منفور جامعه بودند (رضی، ۱۳۸۱: ۹۸۵). بسیاری از سفرنامه نویسان در طول سفرهای خویش به اقصی نقاط ایران موارد گوناگونی از باور ایرانیان به شورچشمی را گزارش کرده و نقل می‌کنند که مردم ایران اشیایی را به منظور دفع چشم زخم همواره با خود به همراه دارند که به نوعی حرز محسوب می‌شوند چرا که باور دارند با همراه داشتن این اشیاء از چشم بد و شور در امان خواهند بود؛ مثلاً ویلیام جکسن گزارش کرده است: «در ایران معمولاً به بچه‌ها طلسم و چشم‌زخم می‌آویزند» او این رسم را رسمی کهن معرفی می‌کند که حتی قدمتش به پیش از دوران اسلامی می‌رسد (جکسن، ۱۳۵۷: ۴۳۲). نتیجه آن که، زنان باردار، کودکان و به‌طور کلی همه چیزهای زیبا، خوشایند، مسرت‌بار یا گرانبها در معرض خطر حسادت و چشم زخم هستند. بنابراین لازم است کودکان و همه چیزهای با ارزش خود را از دیدار کسانی که بدچشم هستند به دقت محافظت کنند و چون مطمئن نیستند که همیشه به این کار توفیق یابند، آنها را بوسیله طلسم حرز و تعویذ محافظت می‌کنند (ماسه، ۱۳۵۵: ۶۳). هم‌اکنون نیز حرز و تعویذ گوناگونی در میان اقوام ایرانی بویژه ترکمنان رایج است؛ که عمدتاً به صورت اشیای خام و طبیعی (انواع کانپها و سنگ‌ها، فلزات، گیاهان، بازمانده‌ی اعضای بدن انسان و حیوان) و چه به شکل فرآورده (مجسمه‌ها، تمثال‌ها، وسایل دست‌ساز فلزی، چوبی و ...) در رماندن ارواح پلید، شیاطین و موجودات شریر و زبان‌کار و بسیاری از بیماری‌ها کاربرد دارد. شیء باوری درباره آهن، از گذشته‌های دور تاکنون، به‌ویژه برای دور کردن ارواح خبیث وجود داشته است. در باور ایرانیان، جن بینهایت از آهن می‌ترسد، به طوری‌که حتی بردن نام آهن افسونی علیه اجنه بوده است. به نظر تایلر اجنه موجوداتی متعلق به عصر حجر قدیم هستند و فلز جدید در نظر آنها منفور و برای آنها زیان‌آور است (هیس، ۱۳۴۰: ۱۰۶). فلز به عنوان یک پدیده‌ی نو و قداستی که در ادیان و اساطیر دارد و به دلیل ویژگی‌های ذاتی‌اش که استحکام و قدرت آن است در تفکر انسان باورهایی را به همراه دارد و همواره از آن گسترده‌ترین استفاده در دفع چشم‌زخم و دیگر ارواح اهریمنی می‌شود و مؤثرترین ماده جهت ساخت طلسم و تعویذ به‌شمار می‌رود. قزوینی درباره‌ی قدرت موجود در آهن نوشته است: اگر کسی یک طلسم آهنی به همراه داشته باشد دارای شخصیتی قوی خواهد شد و از هیچ چیز نخواهد ترسید، همچنین هیچ‌گاه کابوس نمی‌بیند، علاوه بر این نیروی جاه‌طلبی در او افزایش خواهد یافت (قزوینی، ۱۳۶۱: ۱۹۲).

۳-۳- بازتاب توتم در نقوش دستبافته های ترکمن

نکته حائز اهمیت در ارتباط با نقوش در دستبافته‌های اقوام مختلف ایران اینک؛ اکثر نقوش "تجریدی" هستند. نقوش در فرایند عینی شدن، متأثر از یک پدیده بیرونی یا درونی نظیر تخیل یا طبیعت و محیط زندگی بافتندگان هستند. هنرمند ترکمن با نگاهی هوشمندانه عناصر طبیعی را برمی‌گزیند و آنها را مطابق ذوق خود در دستانش شکل می‌دهد. از همین روست که در هنرهای سنتی یافتن رد پای آمال و عقاید اقوام قابل مشاهده است. امروزه طرح‌ها و نقوش فرشهای ترکمن و سایر کارهای دستی و یا سوزن دوزی برگرفته از یادگاران گذشته و متأثر از تمغاها و نشانهای قبایل مختلف هستند که کم و بیش باقی‌اند. در زندگی اجتماعی ترکمنها، توتم‌ها به اشکال مختلف و به صورت متنوع بر روی نمدها، جاجیم‌ها و انواع فرش‌ها و عرقچین و البسه (شلوار و پیراهن) به راحتی می‌توان دید. به عنوان مثال در نمدها به صورت شاخ قوچ و در جاجیم‌ها و کناره‌های قالیها به صورت منقار و چنگال و ناخن‌ها و بالهای پرندگان و دیگر حیوانات مورد احترام که در باورهایشان متجلی است به وضوح مشاهده می‌گردند. نقوش اصلی و معرف فرشها به طور کلی مجموعه‌ای از علائم و توتم‌های مرسوم در بین قبایل بوده‌اند و هنوز هم مرسوم هستند. به وسیله نقوش فرشها و کارهای دستی می‌توان به محل قبیله و دیگر مشخصات آنها پی برد. این همه حکایت از باورهای ترکمنها در حفظ سنتها و آیینهای قبیله‌های خویش دارد (گل محمدی، ۱۳۸۵: ۷۶-۷۸).

برخی اعتقادات قبل از اسلام مثل القم(نوعی نشان)، بش‌آی(پنج ماه) و انواع گؤل یا آبگیر (برابر ترنج یا حوض فارسی)؛ جولبارس(تاپان‌پای پلنگ)؛ درناق(ناخن)؛ اریک گؤل (گل زردآلو)؛ ایاق(پا) و نام‌های عادی برای نقش‌های معروف است (حصوری، ۱۳۷۱: ۲۱). امروزه طرح‌ها و نقوش فرش‌های ترکمن (کارهای دستی و سوزن دوزی) برگرفته از یادگاران گذشته و متأثر از نمادها و نشان‌های قبایل مختلف هستند که کم و بیش باقی مانده‌اند و از میان آنها برخی با کارکرد حرز و تعویذ هستند.



تصویر ۲: نقش قوچک بر دستبافته ترکمنی (حضوری، ۱۳۷۱:۱۳۷)



تصویر ۱: نقش قوچک (شاخ قوچ) بر روی زیور ترکمن (منبع: نگارنده)



تصویر ۳: نمونه‌ای از بازو بند با دو شاخ قوچ (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۵)



به طور مثال؛ شاخ قوچ، نماد کاربردی-آیینی و مذهبی در فرهنگ ترکمن محسوب می‌شود که از ابتدای توتمیسم در طوایف اوغوز (ترکمن) وجود داشته و اثر آن هنوز در زندگی روزمره ترکمن یافت می‌شود. فرم و شکل آن همچون یک سمبل به صورت واسطه‌ای، حامل نوعی ارتباط روحی با نسل‌های قدیمتر است که در تمام قسمتهای زندگی ترکمن‌ها؛ بر سر قبور، ستون خانه‌ها، نمازلیقه‌ها، گلیم، قالی، سوزندوزی‌ها، تزئینات لباس و زیورات می‌توان آن را مشاهده نمود که مانند نمادی در طبیعت، قراردادی و تکرارپذیر بوده و نسل به نسل در نقش نم و قالی می‌توان آن را به وضوح و کرات دید (جلالی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹).

۴- نشانه‌های تصویری مرتبط با حرز و تعویذ در دستبافته‌های ترکمن

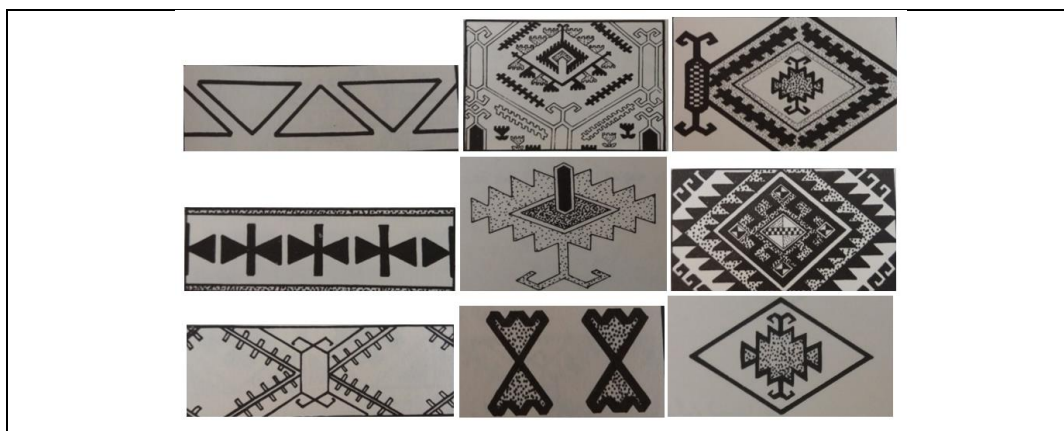
۴-۱- داغدان



تصویر ۴: نمونه‌ای از نقوش داغدان در حاشیه انسی^۱ ترکمن (jourdan, 1989: 83)

یکی دیگر از نقوش مرتبط با محافظت از نیروهای ماورایی در باور ترکمنان، طرح چوب تراشیده‌یی است که «داغدان» نام دارد. داغدان شیئی است که برگردن اغلب کودکان و زنان می‌آویزند تا نظر قربانی نگیرد. داغدان در واقع چوب درختی به نام داغداغان^۱ است که در بین ترکمن‌ها مقدس شمرده می‌شود. ترکمن‌ها معمولاً چوب خراطی شده این درخت را به گهواره نوزادان می‌بندند تا حافظ سلامتی کودک و نگهبان وی باشد (حضوری، ۱۳۷۷: ۱۲۹).

جدول ۱: انواع نقوش داغدان در دستبافته‌های ترکمن با کارکرد حرز



۴-۲- دعا چیک: دعا یا تعویذ

تعداد زیادی از نقوش دستبافته‌های ترکمن با عنوان دعاچیک با کارکرد تعویذ در دستبافته‌های ترکمنان بافته شده اند.

۴-۳- آلاجا (آل، منجوق)

این نقش از دیگر نقوش کهن ترکمنی می باشد که از رواج اعتقاد به طلسم و جادو برای دفع ارواح خبیثه در بین اقوام ترکمن در عهد قدیم حکایت می کند. (URL1) این نقش به عنوان حرز، به صورت نوار باریک دو رنگ حاشیه‌های کوچک و بزرگ متن فرش را دور می زند که تداعی گر حاشیه‌ی از دانه‌های ریز منجوق، مروارید و امثال آن می‌باشد. آلاجا در میان زیور آلات ترکمن، رشته نخ‌ی است که در طی نامزدی برای مشخص شدن دختر نامزد شده، در بین بقیه دخترها با سکه های مختلفی آذین وبه گردن نوعروس می‌آویزند (محمدی، ۱۵۵: ۱۳۸۸).

«آلاجا یوپ» هم معمولاً از دو نوار مختلف بافته می‌شود: سیاه و سفید، یا یکی تک‌رنگ و دیگری رنگارنگ. یکی از سمبل‌های ملی ترکمن‌هاست که طبق اعتقادات، برای حاملش تعادل و آرامش به ارمغان می‌آورد. این مفهوم به جهان‌بینی ملی و اعتقادات پیش از اسلام ترکمن‌ها برمی‌گردد که بر اساس آن، هر وضعیتی و هر حسی در دنیا، نتیجه برهم‌کنش دو قطب مخالف از یک حقیقت واحد است از اینرو می‌توان گفت به عنوان نمادی از حرز به شمار آمده و به صورت نقش آلاجا (منجوق) در دستبافته‌های ترکمنان به وفور بافته می‌شود.



تصویر ۵: نقش آلاجا به صورت نوار باریک در دستبافته ترکمنی (منبع نگارنده)

۴-۴- گل آیدی

گل آیدی در واقع نقش گلی است با نه گلبرگ و به صورت شکفته. عدد نه در فرهنگ ترکمن عددی مبارک تلقی می‌شود. ترکمنها روزهایی را که عدد نه در آن بکار رفته، مقدس می‌شمارند. زنان ترکمنی نیز که بچه دار نمی‌شوند با اعتقادی که به تقدس این نقش دارند آن را به عنوان تعویذ بر سرآستین‌ها یا یقه ی لباس خود سوزندوزی می‌کنند تا تقدس گل نه گلبرگ، اجاقشان را روشن کند (بداعی، ۱۳۷۱: ۱۸). این نقش در دستبافته‌های ایشان نیز به کرات بکار رفته است.

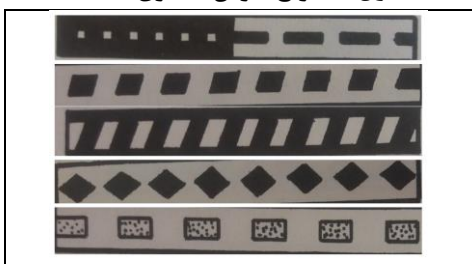
۲-۵. زیور طومار

طومار آویز گردن یا زیوری استوانه ای و توخالی از جنس نقره است که به فرم مثلثی شرابه ها، زنگوله ها و گلوله های کوچکی به نام «دوومه» در چند ردیف از قسمت پایینی آن با زنجیر و یا بند «همان آلاجا یوپ (الجه یوپ) آویزان می گردند. طومارها برای حمل انواع دعا و طلسم استفاده می شده است و برای دفع ارواح و چشم نظر و... به لباس کودکان و زنان ترکمن آویخته می‌شود (تصویر ۶). قوم ترکمن بنا به اعتقادات قومی از قدیم الایام جواهرآلاتی به همین منظور استفاده میکنند. به طور کلی

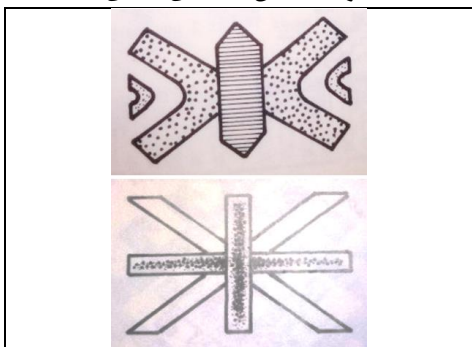
جدول ۲: نقوش متنوع دعاچیک با کاربرد تعویذ



جدول ۳: انواع نقوش منجوق (آلاجا)



جدول ۴: نقش گل آیدی (کلیدی)



اکثر این گونه جواهرات، هدفی حفاظتی داشته اند و پس از گذشت مدت زمانی، از آنها به عنوان زینت آلات استفاده شده است. این زیورآلات اغلب به صورت قطعاتی درشت از نقره اند که بر سطح آنها طرحهایی ساده شده از گل و گیاه و نقشهای جادویی حک شده و با نگینهایی از عقیق یا شیشه ای رنگی تزیین شده اند گویی صدای جیرینگ جیرینگ آنها طلسم محافظی است که ارواح را دور می کند و باور ترکمنها در مورد باطل السحر بودن فلزات ما را وادار به قبول این نظریه کرده که عظمت و بزرگی آنها محافظی است که همیشه همراه صاحبانشان است (محمدی، ۹: ۱۳۸۸).

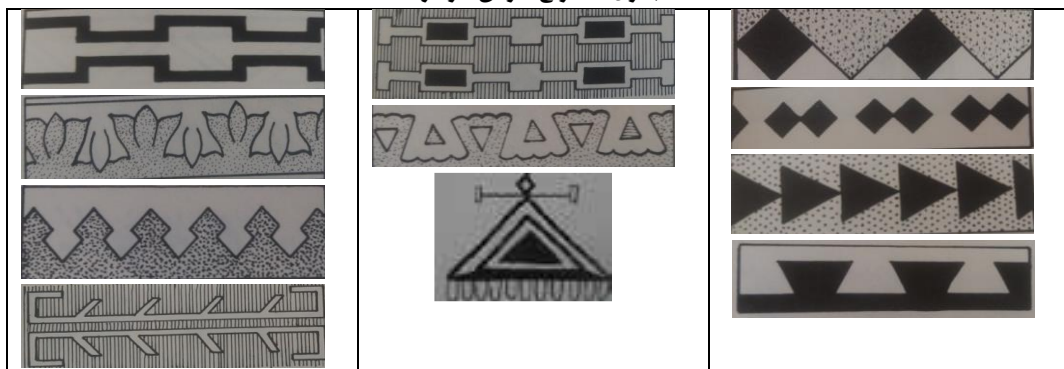


تصویر ۷: نقش طومار بر آسمالیک ترکمن
(Jourdan, 1989:200)



تصویر ۶: زیور طومار (منبع: نگارنده)

جدول ۵: انواع نقوش طومار



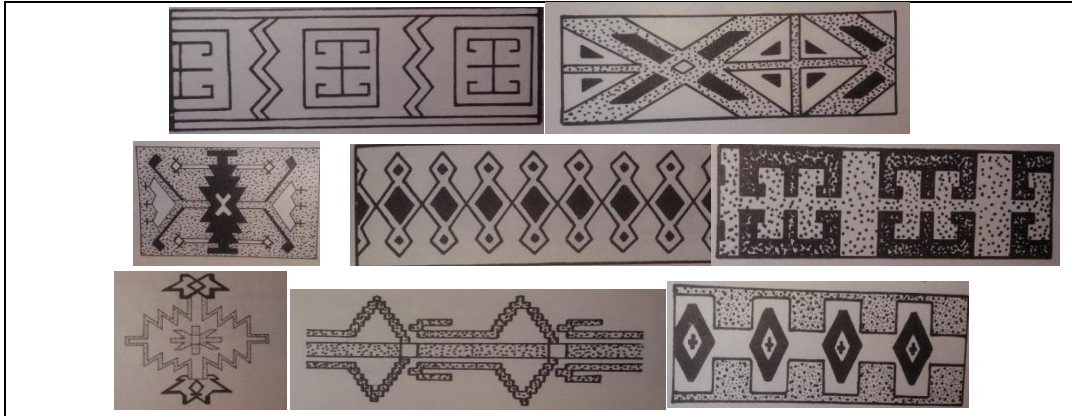
۴-۶- بازوبند

این نقش به عنوان نمادی از تمام اشیای حفاظت کننده و همچنین سالم نگهداشتن فرد در مقابل چشم بد روی دستبافته های ترکمن به وفور دیده می شود. یکی از زیورهایی که شاخ قوچ در آن کاربرد فراوان دارد، «بزیند» است. این نوع زیور، از جمله زیورآلاتی است یا به لباس کودکان (پشتکت، پشت نیم تنه ویا به آستین لباس) دوخته شده ویا به عنوان طومار بر گردنشان انداخته می شود. این زیور، محفظه ای کوچک و قابل باز و بسته شدن است و داخل آن غالباً سوره ای از قرآن و یا دعا گذارده می شود تا طفل را از شومی، بلا، چشم و زبان بد حفظ نماید. این زیور به شکل مربع یا دایره است که در چهار طرف آن حلقههایی برای دوختن به لباس و وسط آن نیز سنگ عقیق گذاشته می شود (باتیروا، ۱۳۸۴: ۵۳).



تصویر ۸: نقش مایه بازوبند در حاشیه دستبافته ترکمنی (عکس از نگارنده)

جدول ۶: نقوش بازوبند



۴-۷- ماری (مارک)

از نقوش جانوری توتمی رایج در میان قوم ترکمن، میتوان به نقوش «مار کوچک» یا همان «مارک» اشاره کرد. (تصویر ۹) با این توضیح که در قالی ترکمن نقش مار، نماد بدیمنی در نزد این قوم میباشد و سمبلی است از بلاهای طبیعی که در مسیر کوچ با آن مواجه هستند. بر این اساس نقش مارک، برای دفع بدیمنی در حاشیه فرشهای ترکمن به کار میرود (کبیری و امیرحاجلو، ۱۳۹۳: ۴۵).

جدول ۷: نقش ماری (مارک)



تصویر ۹: نقشمایه مارک در دستبافته ترکمنی (عکس از نگارنده)

۴-۸- ساری ایچیان (عقرب زرد، کژدم)

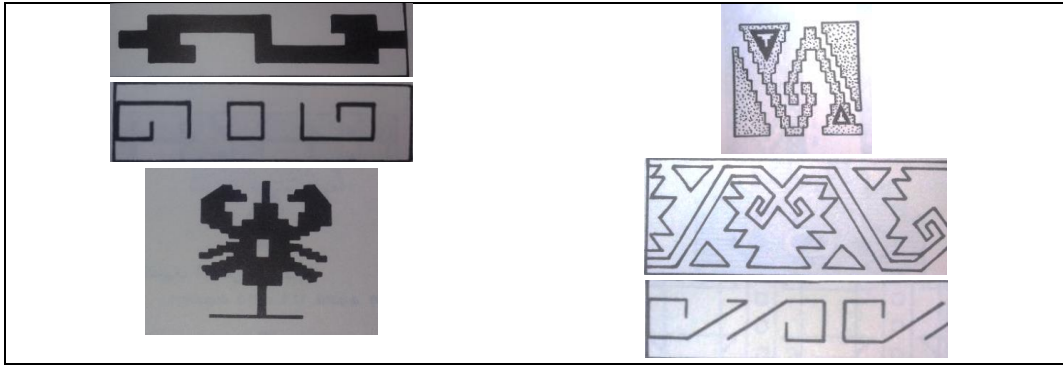
لفظ ترکمنی «ساری ایچیان» به معنی عقرب زرد می باشد. موجودی که زیستگاهش در صحرای قره قوم است و ترکمن ها آن را مظهر دفع شر می دانند، در قالی ها و قالیچه های ترکمن نیز یک ردیف نقش به همین عنوان بافته می شود. شکل استیلیزه این جانور در قالی های ترکمن بارزتر است و به عنوان نماد دفع شر و بلا به کار می رود (توماچ نیا، ۱۳۹۰). این نقش در حاشیه فرشها بافته می شود و شاخکهای موجود در نقش شکل کلی عقرب را تداعی می کند.



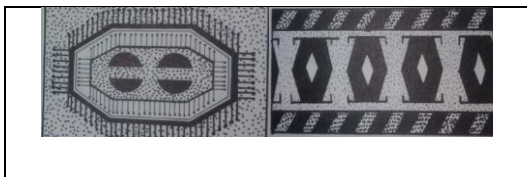
تصویر ۱۰: نقشمایه ساری ایچیان در انسی ترکمن (jourdan,1989:14)

این نقشمایه به روی لباسهای سوزن دوزی اقوام ترکمن هم نمادی است از نگاهبانی صاحب لباس در برابر ارواح موجودات شرور. در قالیهای ترکمنی غالب نقوش ساختاری هندسی دارند و نقوش اصلی فرش ها بر اساس شکل لوزی یا مربع می باشند. در مورد ساختار کلی نقش «ساری ایچیان» نیز به روی فرش ها این نکته صادق است. این نقش در حاشیه فرشها بافته می شود؛ و شاخکهای موجود در نقش شکل طبیعی عقرب را تداعی می کند. (تصویر ۱۰)

جدول ۸: جدول نقوش ساری ایچیان (کژدم)



جدول ۹: نقوش گز (چشم)



۹-۴- نگاره چشم (گز)

از آن جا که بنا به اعتقادات، چشم انسان سر چشمه ی نظر بد است نقوش نمادینی از چشم، تأثیر چشم زخم را خنثی می کند و بنابراین به عنوان طلسمی محافظ به شمار رفته و مردم را در مقابل چشم زخم محفوظ نگاه می دارد.

۶- نتیجه گیری

از عوامل تأثیرگذار در هنرهای ترکمن که نمی توان از آن چشم پوشی کرد، ذوق، حس زیبایی دوستی، تنوع طلبی، جهان بینی، اعتقادات و آداب و رسوم آنها است. اقوام ترکمن در پیش از اسلام پیرو آیین شمنیسم بوده اند و این آیین برگرفته از سحر و جادو بوده است. به طوری که نمونه ی آن را می توان در آثار کاربردی مختلف ترکمنان از جمله زیورآلات و دستبافته های ایشان مشاهده نمود. اهمیت استفاده از نقوش مرتبط با حرز و تعویذ بر دستبافته های ترکمنان جنبه اعتقادی و آیینی آنها را در نزد ترکمنان آشکار می نماید. این نقوشها به از بعد معنایی و اعتقادی در فرهنگ و سنت بافنده آن جایگاه ویژه ای داشته اند از بعد بصری و زیبایی شناسی نیز حائز اهمیت بسیاری هستند هرچند که امروزه نگاره ها به مرور زمان معانی خود را داده اند. با تفسیر نقوش مرتبط با طلسم حرز و تعویذ می توان به باور و اعتقادات و راز و رمز نهفته در آنها پی برد. این نقوش به سادگی ذهنیت ساده و بی پیرایه بافنده ترکمن را نشان می دهد و اعتقاد وی به خاصیت طلسم گونه و محافظ این نقوش را بیش از پیش بر ما نمایان می کند.

پی نوشت

۱. انسی: فرش نسبتا کوچک و دارای گوشه راست است و قسمت نقش دار پایین آن از قسمت بالا پهن تر است. نقوش انگسی با نقوش فرش هایی که بر روی زمین پهن می شود، متفاوت است. پرده ای است از جنس فرش در آلچیق های ترکمن که از قسمت بیرون آلچیق آویخته می شده است.
۲. آسمالیق: فرش زینتی پنج ضلعی برای شتر عروس در مراسم ازدواج

منابع

۱. افروغ، محمد، کاظم نژادی، حبیب اله. (۱۴۰۱). مطالعه نقوش دست بافته ها و دستمال های ترکمن از گذار مردم شناسی هنر. باغ نظر، ۱۹(۱۱۷)، ۷۵-۹۰.
۲. باتیروا، مارال (۱۳۸۴)، بزبند حفاظتی برای چشم زخم، یاپراق، ش ۲۷.
۳. الیاده، میرچا (۱۳۸۷)، شمنیسم، ترجمه محمد کاظم مهاجری، تهران: ادیان، چاپ اول.
۴. تزی، رحیم ۱۳۸۷، «ترکمن کیست و ویژگیهای فرهنگی او چیست»، چاپ پنجم، گرگان: مختومقلی فراغی..
۵. جکسن، ابراهام و. ویلیام (۱۳۸۱)، سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال، ترجمه: منوچهر امیری و فریدون بدره ای، چاپ دوم تهران: نشر خوارزمی.
۶. خوارزمی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، باورباگردانی در شاهنامه، فرهنگ و ادبیات عامه، ش ۲، صص ۱-۲۴.

۷. رضی، هاشم (۱۳۵۱)، دانشنامه ایران باستان، عصر اوستایی تا پایان دوران ساسان، ی جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر سخن.
۸. عربستانی، مهرداد، (۱۳۸۷)، تعویذ، «دایرةالمعارف بزرگ اسامی»، تهران، جلد ۱۵.
۹. عسگری خانقاه اصغر، کمالی محمد شریف ۱۳۷۴، «ایرانیان ترکمن»، (چاپ اول)، تهران: اساطیر.
۱۰. فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۸)، شاخه زرین، ترجمه کاظم فیروزمند، چ، تهران: نشر آگاه.
۱۱. قزوینی، زکریا بن محمد، (۱۳۶۱)، عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات، تهران: نشر کتابخانه مرکزی.
۱۲. کاملی، شهربانو و رحمانی، جبار، (۱۳۹۲)، نمازلیقه‌های ترکمن: بحثی در باب نمادهای کلیدی و آئینی فرهنگ. مطالعات تطبیقی هنر، (۶)، ۷۳-۸۵.
۱۳. گلی، امین ۱۳۶۶، تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمنهای ایران، تهران: نشر علم.
۱۴. ماسه. هانری (۱۳۵۵)، معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه: مهدی روشن ضمیر، چاپ اول، تبریز: نشر دانشگاه تبریز.
۱۵. محمدی، رامونا (۱۳۸۸)، پوشاک و زیورآلات مردم ترکمن، تهران: جمال هنر.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۱)، حلیه المتقین، تهران.
۱۷. معطوفی، اسدالله (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و هنر ترکمانان، جلد سوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی دانشگاه تهران.
۱۸. هیس، هوفمن رینولدز (۱۳۵۹)، تاریخ مردم شناسی، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، تهران: چاپ اول.
۱۹. وامبری، آرمینیوس (۱۹۰۲)، سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۲۰. هال، جیمز (۱۳)، فرهنگ نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، چاپ پنجم، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۱. یعقوب زاده، آزاده (۱۳۹۵) نشانه‌های تصویری در آسمالیک‌های ترکمن. جلوه هنر، ۸(۱۶)، ۱۳۳-۱۲۵.

1. Allane, Lee, (1996) Tribal Rugs, Thames & Hudson, London.
2. Jourdan, U (1989) Turkmen (rugs oriental), Vol 5, Ltd club collectors antique
3. W. Macdonald - brian (1997), TRIBAL RUGS (treasures of the black tent), antique collectors club Ltd, England.
4. URL: www.turkmenstater.blogfa.com (1399.3.15)

